

## جزییات تعطیلی سینماها در روز تشییع پیکر داریوش مهرجویی و همسرش



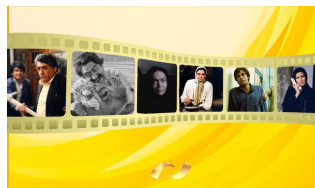
محمدرضا صابری دبیر و سخنگوی انجمن سینماداران اعلام کرد که چهارشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ به دلیل مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی فیلمساز بزرگ سینمای ایران و همسرش وحیده محمدی‌فر سینماها تا ساعت ۱۷ عصر تعطیل هستند.

## «پرونده مختارنامه» دوباره باز شد



نگارش کتاب «پرونده مختارنامه» که در قالب رمان، به مرور خاطرات سال‌های ساخت این سریال می‌پردازد، به پایان رسید. رضا استادی که در فاصله سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ مدیریت روابط عمومی این سریال تلویزیونی را به عهده داشته، کتاب «پرونده مختارنامه» رمان گونه را با تکیه بر خاطرات و مشاهد‌های خود در طول سال‌های ساخت این سریال تلویزیونی مکتوب کرده‌است.

## بخش فیلم‌های داریوش مهرجویی تا ۷ روز از تلویزیون



شبکه نمایش بخش ثابتی از کنکاکتور خود را در هفته آتی را به مرور آثار زنده یاد داریوش مهرجویی اختصاص می‌دهد. در بخش نمایشی ساعت ۱۹ از شنبه، ۲۹ مهر تا جمعه، ۵ آبان ماه فیلم‌های «گلو»، «هامون»، «سارا»، «پری»، «لیلا»، «مهمان مامان» و «جابه نشین» ساخته مرحوم داریوش مهرجویی از این شبکه پخش خواهند شد.

## مجسمه ۳ میلیون پوندی ناپدید شد!



به گفته مسوولان موزه یک مجسمه اثر «گوست رودن» که بخشی از مجموعه مجسمه‌های مشهور «مردم کاله» بود، اکنون ناپدید شده‌ است.

## انتشار یک مجموعه موسیقایی به توصیه «حسین دهلوی»



کتاب «آن» برای سنتور و کوارتت زهی و دونوازی سنتور و کمانچه به قلم علی بهرامی‌فرد منتشر شد. علی بهرامی‌فرد درباره‌ی این اثر نوشته‌ است: «طی سال‌های گذشته، به توصیه‌استاد فقیدم، زنده‌یاد حسین دهلوی، با هدف گسترش کارگان مکتوب و تسهیل دسترسی نوازندگان سازهای ایرانی و به‌خصوص ساز سنتور به مجموعه‌های متنوع‌تر موسیقی مجلسی، کوشیده‌ام قطعاتی برای هم‌نوازی سازهای ایرانی تصنیف و منتشر کنم.

# هوش مصنوعی جهان را برهوت نمی‌کند



فقط فلسفه ماند. اما چیزی که همه این‌ها را در یک‌جا جمع می‌کند، ادبیات است. همه این علوم، مرز مشترک دارند و آن ادبیات است. شما در ادبیات پزشکی می‌بینید، فیزیک می‌بینید، شیمی می‌بینید، باستان‌شناسی می‌بینید و... همه این‌ها را در ادبیات می‌بینید.

نویسنده «مردی که خواب می‌فروخت» و «چیدن باد» با تأکید بر این‌که آینده را بدون ادبیات نمی‌بیند، گفت: ممکن است اشکال ادبیات برحسب زندگی آینده ما فرق کند؛ اما ادبیات از بین نمی‌رود؛ زمانی شاعران با ما حرف می‌زدند، الان هیچ شاعری با ما حرف نمی‌زند. زمانی که بشر با پر روی ماه گذاشت و تازه مردم دانستند ماه چیست و ماه از حالت قبلی‌اش خارج شد. یا امروزه بُعد مسافت از بین رفته است، دیگر راه دور وجود ندارد، زمان حافظ کسی تصور نمی‌کرد کسی در تهران باشد و نیم ساعت بعد در شیراز. مطمئناً در آینده چیزهایی به وجود خواهد آمد که امروز به ذهن ما نمی‌رسد.

قاسم‌زاده افزود: اما موضوعاتی در زندگی بشر وجود دارد که موضوعات عام بشری است؛ مولوی، عطار، سنایی، سروان‌تس، شکسپیر، گوته و دیگران همه در زمان خود زندگی می‌کردند و با دیدگاه‌های خود حرف می‌زدند؛ اما هنوز چیزهایی برای ما دارند

درد آدم‌ها را می‌ترساند. ولی بشر به این موضوعات غلبه می‌کند؛ زمانی قرن بیستم را به ما گفتند قرن سفر، بعد گفتند قرن اتم و سپس گفتند قرن کامپیوتر. تحولات به‌قدری زیاد بود که قرن اسم عوض می‌کرد. نه کامپیوتر ما را ترساند و نه اتم زیرا بشر همیشه برای معضلاتش راه چاره پیدا می‌کند. در آینده نمی‌دانم هوش مصنوعی به کجا خواهد رسید؛ ولی آیندگان که با هوش مصنوعی زندگی می‌کنند برای خود راه‌حلی می‌یابند. این نویسنده تأکید کرد: آثار فرهنگی جهان از بین نمی‌رود. هوش مصنوعی نیامده که جهان را به برهوت تبدیل کند. همه امکانات دست کیست؟ خب دست آدم‌ها. هوش مصنوعی

و مطمئناً نویسند‌ه‌های ما نیز حرف‌هایی برای آیندگان دارند. این داستان‌نویس خاطرنشان کرد: تاریخ اندیشه بشر این‌گونه نیست که در دوره‌ای محو شود و دیگر اثری از آن نباشد، امروز کسانی هستند که مجموعه آثار افلاطون را تهیه می‌کنند تا بداند سقراط چه گفته است. سقراط ۲۵۰۰ سال قبل زندگی می‌کرده و زیست‌شان کاملاً متفاوت با انسان‌های امروزی بود، به‌گونه‌ای که اگر الان سقراط به زندگی ما بیاید، با دیدن چیزهایی دیوانه می‌شود. در آینده هم همین شکل است؛ زیرا بشر تحول پیدا می‌کند.

قاسم‌زاده درباره تأثیری که مثلاً هوش مصنوعی می‌تواند بر ادبیات بگذارد، گفت: به نظرم هوش مصنوعی کمی

## چه شد که امیر جعفری از مهرجویی دفاع کرد؟

و گله خود را این‌گونه مطرح کرده بود: «برخی نقدها و نظریات کمی آزادهنده است. کسانی که با ژست روشنفکری و هنرمندی به تماشای این کار می‌آیند و مطالب نادرستی را مطرح می‌کنند، باید متوجه باشند نه سینما و نه تئاتر و نه هیچ‌چیز دیگری پشت قباله کسی نیست و هر کسی می‌تواند در این حوزه‌ها کار کند. تماشاجری که خالص و بدون پیش‌زمینه نمایش «درس» را می‌بیند، خیلی راحت‌تر با کار می‌تواند ارتباط برقرار کند تا تماشاجری که عنوان می‌کند ۲۰ سال پیش متن را خوانده یا کارهایی انجام داده است. »

جعفری از داریوش مهرجویی به عنوان افتخار سینمای ایران یاد کرده و تأکید داشت که جایگاه داریوش مهرجویی در سینمای ما کاملاً مشخص است. او علاوه بر ساخت فیلم‌های بسیار درخشان، ترجمه‌های بسیار خوبی از آثار مطرح دنیا دارد، از سوی دیگر یونسکو هم جزو شاهکارهای نویسندگی قرن بیستم است پس چگونه می‌توان درباره‌ی کار آنها این‌گونه سریع اظهارنظر کرد.

ممکن است تماشاگر نتواند با کار ارتباط برقرار کند، این مطلب جای خود را دارد، اما

و کمتر کارگردانی سراغ اجرای آن رفته بود. همان زمان نظرات گوناگونی درباره اجرای این اثر در محافل تئاتری مطرح شد و ایسنا هم با امیر جعفری گفتگویی انجام داد.

جعفری، کارکردن با مهرجویی را هم‌چون یک کلاس درس توصیف کرده و درباره ویژگی‌های دشوار نمایشنامه «درس» گفته بود: «نمایشنامه‌ی «درس» یکی از متونی است که در دانشگاه‌های هنری دنیا به عنوان متن بازیگر مشهور است، چرا که این متن بازیگر را به خوبی به چالش می‌کشد. به‌گونه‌ای که بازیگر باید از یکسری جملات بی‌مفهوم و بی‌منطق، منطق و مفهومی ایجاد و به تماشاگر منتقل کند. اگر کسی می‌خواهد درباره‌ی این کار نظر بدهد، باید ۴۰۰ بار از روی نمایشنامه‌ی «درس» که داریوش مهرجویی آن را ترجمه کرده، بنویسد تا شاید متوجه شود یونسکو در این اثر چه می‌گوید، اما با یک نظر و با تماشای یک اجرا نمی‌توان به سرعت درباره‌ی این‌کار داوری کرد.

او برخی نظرات و دیدگاه‌ها را درباره نمایش «درس» غیر منصفانه و آزادهنده می‌دانست



نمی‌توان کار را این‌گونه مورد داوری قرار داد. اگر قرار است درباره‌ی نمایش «درس» نظر بدیم باید سطح مطالعه‌مان را بالا ببریم.»

به فاصله ۵ سال بعد یعنی در سال ۹۴، مهرجویی باز هم نمایش دیگری به صحنه برد؛ «غرب واقعی» نوشته سم شپارد، یکی دیگر از نمایشنامه‌نویسان شناخته شده جهان. او این نمایشنامه را نیز خود ترجمه کرد و آن را در سالن «الیز» پردیس کوروش روی صحنه برد.

امین حیایی، محمدرضا خلج، جمال مرتضوی و جمیل‌ه فردین در این نمایش بازی کردند و امیر علی دانایی نیز کمی بعد، به گروه ملحق شد. «غرب واقعی» داستان دو برادر و تضادهای زندگی و رفتاری آن‌ها را روایت می‌کرد. این نمایشنامه توسط داریوش

مهرجویی ترجمه شده بود. او همین نمایشنامه را با متن دیگری از شپارد، با عنوان «کودک مدفون» در یک مجلد به چاپ رساند.

در نمایش «درس» امین حیایی که پیش‌تر در فیلم «مهمان مامان» با مهرجویی همکاری کرده بود، علاوه بر بازی، به عنوان دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز هم مهرجویی را همراهی کرده بود.

وحیده محمدی‌فر، همسر مهرجویی هم نیز مسئولیت دستکاری تهیه و طراحی صحنه و لباس را برعهده گرفته بود. از آنجاکه این نمایش در سالن‌های مرسوم تئاتر اجرا نداشت، کمتر از نمایش «درس» مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دیگر به حضور تأثیرگذار داریوش مهرجویی در ترجمه نمایشنامه‌های مشهور جهان می‌پردازد.